

تبیین نظرات فقهی و حقوقی پیرامون حیات مجدد بعد از مجازات قصاص

حسین ردایی^۱، مجتبی اعظمی^۲

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد، تهران، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

تحقیق حاضر درصدد بررسی آثار حقوقی وجود حیات بعد از اعمال مجازات قصاص در فقه و حقوق ایران است. نزد فقها در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد. بر اساس یک دیدگاه، کسی که محکوم به اعدام میشود، اگر پس از اجرای حکم اعدام، سلب حیات رخ داد و متخصص مربوطه آن را تأیید کرد، حکم صادره در مورد محکوم علیه به طور کامل از لحاظ ماهوی و هم از لحاظ تشریفات اجرای حکم پایان یافته است، حال اگر فرد به طور معجزه آسایی زنده شود، این یک حیات جدید به حساب میآید در حالی که حکم اعدام مربوط به حیات قبلی بود که تمام و کمال اجرا شده و تحقق یافته است؛ اما دیدگاه مشهور فقها، به دلیل رعایت شرط مماثلت و به دلیل حق قصاص در زمره حق الناس است، از این رو در صورت درخواست ولی دم حق تکرار قصاص یا حق عفو یا دریافت دیه از قاتل برای او ثابت است و جراحاتی که در اثر قصاص ناقص برای جانی پیدا شده، داخل در قصاص بوده و به حساب نیامده، از این نظر جانی، مجنی علیه محسوب شده و حق قصاص جرح یا دریافت دیه را خواهد داشت و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز دیدگاه مشهور را پذیرفته است. به نظر می رسد با توجه به ایرادهایی که بر نظر مشهور فقهای امامیه وارد است، قانونگذار می تواند ماده ۴۳۸ قانون مجازات اسلامی را مطابق با نظر غیرمشهور که به نظر، دارای مبنا و ادله ی قوی تر می باشد مبتنی نماید.

واژه های کلیدی: قصاص، حیات، تکرار مجازات، فقه، قانون مجازات ۱۳۹۲.

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۴، شماره ۱/۱، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۸۹-۱۰۱